



## خلق کرد در مصاف با، رنسانس شوینیسیم!

رشاد -مصطفی سلطانی

یازدهم می 2008 -سويد

ناسیونالیزم و شوینیسیم ناب عربی خرامان خرامان در عراق همدیگر را یافته و در کانال وحدت عمل، عرض اندام میکنند. حکومت لرزان و بیرمق آقای مالکی با ساخت و پاخت و دیدار های مخفی و رشوه و اجیر کردن شیوخ عرب در دو سطح سنی و شیعه و دامن زدن به اختلافات فیودالی و عشیرتی، توانسته تا حد امکان ابتکار عمل را در آشتی ملی و باز سازی دولت بدست گیرد. پدیده شوینیزم و ناسیونالیزم درمان کارا و چاره سازی برای یکپارچگی جامعه عقب مانده و سنتی عراق است. رهبران عراق آقایان: نوری مالکی، علاوی، علی دباغ، هاشمی، عدنان دلیمی، علی سیستانی، مقتدا صدر تقریبا بر روی همان ریل دیکتاتورهای بعث حرکت میکنند با این تفاوت اکنون کردستان جنوبی در فاز اپوزیسیون قرار ندارد بلکه سهم در بخشی از حکومت عراق و کردستان است. حاکمان دولت نو پای کردستان جنوبی در سطوح و زمینه های گوناگون دولت داری، حاکمیت، مدیریت و سازماندهی مردم کردستان برای بازگشت به خط تولید و اعتماد بنفس و گسیختن از بندها و زنجیر های اسارت بار اقتصادی، که کشورهای ایران و ترکیه بر کردستان تحمیل کرده اند تقریبا عاجز و ناتوان بوده و تنها در جلوه هایی از امنیت و ماسمیدیا و روزنامه نگاری و آبادانی پیشرفت هایی کرده اند. اختلافات بین قبایل عرب و شهر وندان عراقی با حرکتی نه چندان سریع آما اهسته و پیوسته حل میشوند و توافقات پشت پرده بادلالی دول غربی در جریان است. آنچه امروز در شهرهای عرب نشین عراق روی میدهد، جنایت محض بر علیه وجدان بشریت و آزادیخواهی است. نوک تیز این حمله و جنایت در وهله ی اول بر علیه زنان و کودکان نشانه رفته است و قربانیان وسیع این جنایات باز هم زنان و کودکان معصوم هستند.

ساختار و ترکیب دولت عراق ملقمه ای از برآیند و طیف نیروهای کهنه بعثی، شیوخ و عشایر، فیودالها و جریان بغایت تند مذهبی شیعه و جریان سنی است. سنی ها آشکارا از طرف دول عربستان، بحرین، کویت، امارات متحده عربی، پاکستان، مصر و اردن تغذیه و تقویت میشوند. شیعیان فرمان و احکام خویش را بلا واسطه و مستقیماً از طرف آخوندهای ایران در قم و تهران دریافت میدارند و در این رهگذر کمک های مالی فراوان، بیمه بیکاری، تجهیزات سبک و مجهز نظامی و آموزش میبینند و در واقع سر بر آستان ولایت فقیه دارند. آقای مقتدا صدر فنون اسطرلاب، شستشویی مغزی و مبارزه با سکولاریسم را در قم آموخت. موقعیت اسفبار زنان در عراق، بیانگر ماهیت طبقاتی این حکومت است.

آقای مالکی و یاران عربش، بدنبال صلح و امنیت در عراق بوده و آنها نیز بسان سلطنت طلبان ایرانی تمامیت ارضی و مرز پر گهر وطن عربی میخواهند. در این راستا هنوز مشکل کرکوک و ماده 140 حل نشده، دولت مرکزی وعده های سر خرمن داده و در کمین نشسته تا نیروهای شونیست و ناسیونالیست عرب را متحد و سازمان دهند و سپس بر علیه خلق کرد شمشیرهای مرصع اسلام را از غلاف در آورند. حکومت فدرال کردستان جنوبی بطور نامریی زیر فشار گروه های حاکم عرب در پارلمان عراق قرار گرفته است. حضور شخص رئیس جمهور آقای جلال طالبای و دکتر برهم صالح و چند پارلمانتار کرد، تاحدی توطئه های آنها را خنثی کرده، اما صرفنظر از نیت پاک و صادقانه سیاستمداران کرد آیا در نبرد با امواج شونیسم عربی، تاب و تحمل اینهمه توطئه و نا صادقی گروه های عرب در پارلمان عراق را خواهند داشت؟ وجود شخصیت ها، سیاستمداران ورهبران کرد در دولت عراق، اعتباری بین المللی بآنها داده است. گرچه دیدار های سران حکومت عراق از مناطق جهانگردی کردستان گاه و بیگاه ادامه دارد اما یقیناً در پشت این دیدارها پروژهای شکست حکومت فدرال کردستان را در سر میپروراندند. کمتر به وجود حکومت نو پای کردستان اعتراف شده و همیشه با عنوان شمال عراق شان را از زیر بار مسئولیت های تاریخی خالی کرده و اهداف شونیستی و ناسیونالیستی خود را بعیان ابراز داشته اند. اتحاد نامقدس شونیسم و ناسیونالیزم در عراق در حال شکل گیری، رنسانس و تجدید حیات بوده و مستقیماً بر علیه حکومت نو پای کردستان جنوبی است. احزاب کردستان جنوبی گاه بر اعضا حزب شیوعی عراقی تکیه داشته، اما اساساً احزاب کمونیست خاورمیانه هرگز موافق جنبش آزادیبخش ملت کرد نبوده و نیستند و همیشه و در تند پیچ های تاریخی، خلق کرد را تنها گذاشته و به آرمانها، تاکتیک و استراتژی خلق کرد وفادار نبوده و جنبش را آگاهانه بشکست کشانده اند. شاید ذکر نمونه ای خالی از لطف نباشد. نگاهی گذرا به مصاحبه رفیق ایراهیم علیزاده سکرتر اول کومه له با روزنامه ی هاوولاتی اول ماه مای

2008 مرا مبهوت کرد. ایشان بدون پرده **تنها نیروی متحد و نزدیک تر** به جنبش کردستان (ایران) را به نیروهای غیر کرد نسبت داده اند، که در عمل چنین نبوده و تهی از حقیقت است. این موضع گیری مستقیماً شوینیسیم ناب ایرانی را تقویت خواهد کرد. گویا تا حال و بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران 1983 میلادی کمک های شایان و بارزش نواحی دیگر ایران به کردستان سرازیر بوده و قابل شمارش نیست ?? در حالیکه خلق کرد با توطئه های بین المللی و دلالی حکومت های اشغالگر و دیکتاتور خاورمیانه قیمه و چند پارچه شده است. با این وصف هر چهار پارچه این ملت، سرنوشت مشترک، درد مشترک، مبارزه مشترک، ستم ملی مشترک و دشمن مشترک داشته که تاریخ آنرا صحنه میگذارد. اتحاد و نشستهای آشکار حکومت های ایران، سوریه و ترکیه در این راستا تجلی، رنسانس شوینیسیت ها بر علیه خلق کرد است. بنده برای رهبران حزب کمونیست ایران احترام زاید الوصفی قایلیم، اما در حال حاضر هست و نیست حزب کمونیست ایران فقط و تنها کومه له ی سوسیالیست و آزادیخواه است. حزب کمونیست ایران بعد از تاسیسش در سال 1983 میلادی (1362 شمسی) هنوز از خون شاهراگ های کومه له می نوشد. هنوز از اعتبار و اتوریتته ی کومه له بهره برداری میکند. هنوز پیشمرگان کومه له این مترسک را حفاظت میکنند. هنوز حزب کمونیست ایران برای بقای خویش، اکسیژن را از شش های کومه له نفس میکشد. اساساً کومه له ی سیکولار تا قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران کم و کاستی نداشت و غیر مستقیم در فاز و قالب حزب چپ کردستان عمل میکرد و پراکتیک سوسیالیستی و دمکراتیک در زمینه های تشکل و مبارزات کارگران، زنان، زحمتکشان شهر و روستا، دانش آموزان و جوانان، اقشار میانه و روشنفکران داشت. کافی بود در یکی از کنگره ها، نام کومه له تغییر یابد. سیاست حزب کمونیست ایران بلاشک از طرف مردم کردستان تأیید نمیشود. جای تاسف است احزاب کمونیست خاورمیانه آب باسیاب شوینیسیم حکومت های اشغالگر کردستان ریخته **و پرداخت بهای گزاف آن در این پروسه**، **خونیسیت که ملت کرد باید بدهد.** مواضع تاریخی حزب کمونیست ترکیه و حزب شیوعی عراق در مورد مسئله کرد، صفحات مشمئزکننده و تاریکی است. شاخه های حزب کمونیست کارگری ایران باندازه کافی به جنبش کردستان خیانت کردند آیا کافی نیست؟ آیا مارکسیزم میتواند جوابگوی همه ی مشکلات و معضلات اجتماعی جامعه بشری در قرن 21 باشد؟ گلوبالیزم و تسلط باور نکردنی تکنیک، تفسیر و ترجمه ی جدیدی از مارکسیزم میطلبد. وبعنوان ضرورتی تاریخی لازمست که بر مارکسیزم ایده ها و تفکرات تازه ای افزود. فعلاً دیکتاتوری پرولیتاریا و اقتصاد دولتی مانند دو رکن اساسی مارکسیزم مطلقاً جاذبه ای ندارند.

## کرکوک، بیت المقدسی دیگر و کمپلیکسی نگشوده

حکومت عراق در تقسیم بودجه طفره می‌رود. نیروی پیشمرگ را می‌خواهند در باقیمانده ارتش بعث ادغام و استحاله کنند. و شاید لقب جندی(سرباز) شمال بآن اهدا نمایند. قانون روزنامه نگاران به تصویب نرسیده است و روشنفکران در سنگر قلم هنوز در تنگنا هستند. مشکل کرکوک باحیله و تزویر جواب می‌گیرد. گویا می‌خواهند این مشکل را به سازمان ملل متحد واگذار کنند. با تکیه بر دیکومینت های تاریخی، جغرافیایی و مونوگرافی جمعیت، و با توجه به نواحی وسیع کرد نشین اطرافش و از نظر فرهنگی و کلتوری کرکوک مختصات، قالب و تار و پود تمام عیار یک شهر کردنشین را دارا است. با تمام تفصیل در کرکوک ملیت های دیگر از قبیل ترکمان، آشوری، کلدانی، مسیحی، یزیدی، عرب های بومی و عرب های کوچ داده شده ی دوران سیاه حکومت بعث زندگی میکنند. زندگی در این شهر بشیوه ی مسالمت آمیز بوده اما اداره و حاکمیت بر این شهر مظهر اختلافات شدیدی شده است. مدعیان حاکمیت عرب های عراق، ترک های ترکیه بوده که با مستمسک های رنگا رنگ بمیدان آمده تا از حاکمیت قانونی و تاریخی کردها جلوگیری کنند. عاقلانه است که همه ی شهر و ندان کرکوک در جوار هم و بشیوه ای دمکراتیک باهم زندگی مسالمت آمیزی داشته باشند. حاکمیت شهر طبعاً در اختیار نمایندگان منتخب مردم ساکن کرکوک خواهد بود. مثلاً در شورای شهر، گمرک، رسانه های گروهی، آموزش و پرورش، پلیس و ... الزاماً فقط کردها نیستند که حضور خواهند داشت. بلکه افراد غیر کرد و صاحب اتوریتته از میان اقلیت های دیگر نیز حضور خواهند داشت. مضافاً حکومت فدرال کردستان در هیچ بیانیه، نوشته و یا گفتاری تقاضای جدائی و استقلال نکرده و خواهان همزیستی با عراق است. شاید خروج آمریکا از عراق میزان قدرت و نفوذ سازمان های تروریست را کم کند. آمریکا در راستای منافع دراز مدت خویش و با تحمیل شرایط سنگین بر کردستان جنوبی، از آن دفاع میکند. مقداری از خشونت و نفرت حکومت های ایران، ترکیه، سوریه و عراق نسبت به ملت کرد به حضور آمریکا در خاور میانه بستگی دارد. و کلام آخر کردستان جنوبی باید برای توده های مردم کار مفید ایجاد کرده و آنها را به خط تولید صنعتی و کشاورزی و دآمداری بشیوه مدرن باز گرداند و گرنه جامعه مصرف کننده با اپیدمی و مشکلات فراوان اجتماعی روبرو خواهد شد و دوران اسارت بار وابستگی به ترکیه و ایران همچنان باقی خواهد ماند.

برای اطلاعات بیشتر :

× تضاد حرف و عمل - در روی سایت های معتبر، نوشته ای از: یدی بیگری

× روزنامه ی هاو ولاتی اول ماه مای 2008، مصاحبه با ابراهیم علیزاده

